

برای همه اعصار

جایگاه معنوی و منزلتی این بانوی اطهر برسیم اما به یقین می توانیم در سیره و منش و رفتار از ایشان الگو بگیریم و از این رهگذر در مسیر رشد و تعالی گام برداریم. نگاهی به سیر حضرت در همسرداری، فرزند داری و از همه مهم تر زندگی اجتماعی و مبارزات آن حضرت برای احقاق حقوق حضرت علی(ع) نه به عنوان یک همسر بلکه به عنوان ولی خدا دارای درس های عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که می تواند در تمام اعصار و قرون مورد توجه قرار گرفته و الگویی تمام عیار و قابل دسترسی را به ما عرضه کند. به بهانه سالروز شهادت دخت گرامی رسول خدا(ص) بخشی از سیره این بانوی بزرگوار اسلام را مورد واکاوی قرار می دهیم.

رایزنی سیاسی با مهاجر و انصار

بعد از ماجرای شکستن در خانه ای که جبرئیل بی اذن واردش نمی شد، حضرت زهرا(س) با وجود مجروحیت و سقط فرزندشان بازهم به در خانه مهاجر و انصار می رفتند تا بلکه بتوانند آنها را بیدار کرده و برای حضرت علی(ع) بیعت بگیرند.

حضرت زهرا(س) با رفتن به در منازل مهاجران و انصار از آنها وعده گرفته و با آنها اتمام حجت کردند. با این اقدام آن حضرت، دیگر بهانه ای برای افراد نمی ماند تا از ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دفاع نکنند. رفتن به در منازل از سوی حضرت زهرا(س) به معنای اتمام حجت بود. حضرت فاطمه زهرا(س) باید از حق دفاع می کرد و این دفاع می بایست در تاریخ ثبت می شد. با وجود انفعال اغلب اصحاب، اعم از مهاجر و انصار به رغم آن که حضرت زهرا(س) شخصاً به آنها مراجعه و بایکایک شان گفت و گو می کرد، حضرت بازهم از مبارزه دست نکشید و به شیوه ای دیگر مبارزه اش را ادامه داد.

خطبه خوانی مشهور به «خطبه فدکیه»

حربه سیاسی دیگر، سخنرانی با تکیه بر غصب «فدک» بود (۹) که به دنبال غصب آن توسط خلیفه وقت، فاطمه زهرا(س) بار دیگر از این حرکت رژیم حاکم به عنوان یک حربه سیاسی و فرصت مناسب سیاسی برای روشن ساختن اذهان جامعه در غصب خلافت مسلم حضرت علی(ع) استفاده کرد. در حقیقت، فاطمه زهرا(س) به نام غصب حق مالکیت خویش، به اعتراض سیاسی و استیضاح حاکم وقت پرداخت و به مسجد رفت و خطبه خواند.

درفراز دیگری از این حرکت سیاسی، حضرت زهرا(س) به دفاع از ارث زن در اسلام می پردازد؛ دفاع از مالکیت بر حق زن. این حرکت برخلاف راه و رسم موجود در افکار جاهلی بود که در بعضی از اذهان رسوخ داشت. آن حضرت توانست با حضور در مرکز اجتماع مسلمانان و مهم ترین مکان معتبر سیاسی یعنی مسجد به محاجه با خلیفه وقت پردازد و او را به استیضاح بکشاند و با رسوایی سیاسی حاکمان وقت، تا حد زیادی مشروعیت آنان را زیر سؤال برد.

بیت الاحزان

نقل شده حضرت زهرا(س) بعد از وفات پیامبر و حوادث بعد از آن در غصب ولایت، شبانه روز گریه می کردند. این گریه ها با شکایت گروهی از مردم مدینه روبه رو گشت و موجب شد تا حضرت به جایی بیرون از مدینه برای گریه و عزاداری برود. پس از آن بود که حضرت به خارج شهر رفته و مکانی در قبرستان بقیع به عبادت و سوگواری پرداختند. سوگواری و گریه و زاری حضرت زهرا(س) در خارج از شهر به نوعی تظلم خواهی و بیان اعتراض بود. از سوی دیگر این کار موجب می شود افرادی که از این مکان عبور می کنند برای شان سؤال شود این زن کیست و وقتی متوجه می شدند او دختر پیامبر است سؤال بزرگ تر شکل می گرفت که چرا دختر پیامبر ظرف مدت کوتاهی از رحلت رسول این گونه مورد آزار و اذیت قرار گرفته و ماجرا از چه قرار است!

تلاش برای بیداری مردان از طریق زنان

حضرت در طول مبارزه سیاسی خود برای دفاع از ولایت، آسیب دیده و مجروح شدند و این مجروحیت به بیماری ایشان منتهی شد. وقتی خبر بیماری آن حضرت در مدینه پیچید، زنان مهاجر و انصار، که وامدار تعلیم و تربیت فرهنگی آن حضرت بودند، برای عیادت او به خانه اش آمدند. وقتی از حال آن حضرت جویا شدند، از حال خود نگفت، بلکه در دفاع از حریم ولایت به سخن پرداخت و از سستی مردان شان سخن راند که حق را فراموش و سکوت اختیار کرده اند. این رفتار حضرت نیز به نوبه خود توانست بیداری و آگاهی بخشی را از درون خانه ها رقم بزند.

وصیتی که تا به امروز جاری است

فرید حسینی

خبرنگار چار دیواری

تاکتیک کوبنده دیگری که صدیقه طاهره(س) اتخاذ کرد و ضربه سهمگینی بر حکومت وقت وارد آورد، وصیت نامه سیاسی آن حضرت است؛ وصیت نامه ای که برای بیدار ساختن افکار خفته و توجه افکار عمومی و عدم بهره برداری حاکمان سیاسی وقت از مراسم سوگواری و دفن آن حضرت، نگاشته شد.

حضرت فاطمه(س) وصیت کرد احدی از کسانی که به او ستم کرده اند در تشییع جنازه اش حاضر نشوند و شبانه او را دفن کنند.

در حقیقت، با این وصیت نامه، حربه سیاسی از دست حاکمان وقت گرفته شد. آنان می خواستند در مرگ آن حضرت با مرثیه سرایی و اشک و ماتم و ارادت به آن حضرت و تأسف از رحلت او، مخالفت ها و مبارزات حضرت زهرا(س) را در دفاع از حریم ولایت، تحت الشعاع قرار دهند. اما دفن شبانه آن حضرت و نامشخص بودن مکان دفن ایشان، این سؤال را در میان امت اسلامی ایجاد کرد که چرا دخت گرامی پیامبر و یگانه گوهر گرانقدر او چنین وصیتی کرده است؟

ظرف مدت ۷۵ و به نقلی دیگر ۹۵ روز از رحلت پیامبر، چه بر امت اسلام رفت که دختر پیامبرشان را به شهادت رساندند و شبانه او را غسل و کفن داده و دفن کردند؟



مزار پنهان حضرت زهرا(س) تا به امروز برای تمام آنهایی که جذب اسلام می شوند، یک ابهام و شک و شبهه ایجاد می کند. حتی اسلام وهابی که با شرک خواندن درست کردن مزار و سنگ نشان می خواهد تلاش کند این ماجرا را در سایه چنین باور ساختگی پنهان کند، باز هم وقتی افراد می خواهند درباره اسلام بیشتر بدانند و تحقیق کنند، نمی تواند تعجب و سوالی را که در برابر مزار پنهان حضرت زهرا(س) وجود دارد پاسخگو باشند.

این پرسش و ابهام فقط با مطالعه این بخش از تاریخ اسلام است که به پاسخ می رسد. پاسخ چرایی پنهان ماندن مزار حضرت زهرا(س) حق غصب شده ولایت و مبارزه ای است که آن حضرت حتی پس از وفات شان ادامه دادند تا بتوانند به نسل های بعدی هم نشان بدهند حقی غصب و تاریخ تحریف شده است.